۸

АРТ. 614
ЦЕНА 2 руб. 50 коп.

۱ تحقیق انتقادی در عروض فارسی

دکتر خانلری

۲ آئین سخن - ذ. صفا

۳ سبک شناسی - بهار

(۵)

ФАБРИКА ТЕХНИЧЕСКИХ БУМАГ
СССР
МИНИСТЕРСТВО БУМАЖНОЙ и ДЕРЕВООБРАБАТЫВАЮЩЕЙ ПРОМЫШЛЕННОСТИ
ГЛАВЗАПБУМПРОМ
СОЮЗ

سبک شناسی یا تاریخ تطور

نثر فارسی

تصنیف ~~ــ~~ استاد محمد تقی بهار «ملک الشعرا»

تهران چاپخانه خودکار

۱۳۲۱

۴۳۷ صفحه

3B $\frac{17-8}{97}$

سبک شناسی — ۱/۷

سبک در لغت تازی بمعنی گداختن و ریختن زر و نقره است
سبک را مجازاً بمعنی «طرز خاصی از نظم یا نثر» استعمال کرده‌اند
«سبک در اصطلاح ادبیات عبارت است از روش خاصی
ادراک و بیان افکار بوسیلهٔ ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ
و طرز تعبیر — سبک بیک اثر ادبی وجههٔ خاص خود را از لحاظ
صورت و معنی القاء میکند و آن نیز بنوبهٔ خویش وابسته بطرز تفکر
گوینده یا نویسنده دربارهٔ حقیقت میباشد

تعریف محقق — د

سبک نوع — نوع عبارت است از شکل ادبی که گوینده یا
نویسنده با اثر خود بدهد — مثل درام — کمدی

سبک — از مجموعه (کاراکتر) عمومی اثر شاعر یا نویسنده
از لحاظ موضوع و انعکاسات محیط در آن بحث میشود
بنابراین سبک هم فکر و هم جنبه ممتاز آن و هم طرز تعبیر را در نظر

سبک شناسی بهار

در لغت گردید در صورتیکه نوع فقط طرز اداء را بیان میکند

سبک طرز فهمیدن حقایق و تعبیر آنهاست

از تماس با جهان بیرون فکری در ما تولید میشود و آن نمونه ادراکات از تأثیر محیط در فرد. ما آن فکر را با سوابق ذهنی خود منطبق و موافق میسازیم و با بیان چنین فکری خویش را با شنوندگان تعبیر میکنیم - و این نمونه ادراکات از تأثیر فرد در محیط.

مقدمه مصنف جلد اول صفحه ۵

فکر در قالب جمل مشتمل است و جداگانه بیان نمیشود - پس نفوذ خود در ادبیات فرد شکل مخصوص میگردد و هرگز نمیتوان از آن جدا شمرد - از سوی دیگر مطلب یا فکر اصلی یک اثر ادبی شکل آنرا تعیین میکند و همین آمیختگی فکر و شکل یا معنی و صورت است که بنیاد سبک را تشکیل میدهد.

مقدمه مصنف ۶

سبک شناسی بهار   جلد اول

دانشی که از مجموع جریان سبکهای مختلف یک زبان بحث بکند سبک شناسی نامیده میشود.

« در اواسط دوره ناصرالدین شاه و اوایل قرن ۱۴ هجری شمسی محفلی ادبی از ادبا ایران « سبک ترکستانی » (آنروز سبک خراسانی این نام را بخود داده بود، و تا زمان ما هم این اصطلاح دوام داشت و بعد ترک شده اصطلاح حقیقی خود را که سبک خراسانی باشد پیدا کرد) در شهر مشهد تشکیل شد که قبل از آن هم عملاً سبک هندی بوسیله نشر دیوان قاآنی در عراق و خراسان منسوخ شده بود و شعرای خراسان به پیروی قاآنی شعر میگفتند ولی داشتند بعد آن سبک را انتقاد کرده سبک حقیقی خراسانی را با نکات دقیق و لطافت آن که در دوره ترقی کرده بود، این کیفیت انتقاد بوسیله « پدرم باشی) برادر محمود خان ملک الشعراء در مشهد تدریس شد که مجتهد

مقدمه مصنف   ۱

سبک شناسی ـ بهار ـ جلد اول

شعرائی در این نیمه این قرن دست از تقلید از سبک ها آنی که سبک شعر ترکستانی
و سبک عراقی بود دست برداشتند و بسبک جدید روی آورده‌اند که از آن
جمله مرحوم صبوری و مرحوم صفای اصفهانی و مرحوم ادیب نیشابوری
و مرحوم سید احمد ادیب پیشاوری و گروهی دیگر بوده‌اند

صبوری علاوه بر انتسابی که با خانواده صبا داشت
به خجسته تربیت شاگردی نیز یافت و تربیت و سبک شناسی‌ها که خاندان
صبا در دوران صاحبان آن مکتب بوده به پیوسته در خانواده
صبوری نیز شیوع یافت. مؤلف که فرزند صبوری است این
تربیت را در نزد پدر آموخت ولی از آن در خدمت
ادیب نیشابوری و سید علیخان درگزی مدتها تلمذ کرد
ولی از آمدن به پایتخت این تمایل را در مطبوعات با تربیت
خاصه مجله دانشکده و انجمن ادبی بهار نام آنش رواج داد!

مقدمه مصنف ـ پ

سبک‌شناسی – ۷/[illegible] جلد اول

در سال ۱۳۱۲ که مؤلف در اصفهان به حال تبعید و بازداشت محکوم بود مختصری در تحول زبان فارسی و چگونگی تحولات زبان ما از عهد باستان تا امروز و حالات نثر پهلوی و دری و تبدلات طولانی این زبان به مجله باختر داده شد. و در سال ۱۳۱۳ در تهران توقف صورت گرفت و مجله مذکور منقطع گردید و سال بعد به مؤلف از وزارت فرهنگ اشارت رفت که در دانشسرای عالی چند ساعتی درس بگوید – در یکی از آن ساعات برای نخستین بار رشته علم به «سبک‌شناسی» در ذیل عنوان «تاریخ تطور و تحول نظم و نثر فارسی» طبق مرسوم [?] القاء شد و چند سال متوالی این کلاس دوام یافت

در سال ۱۳۱۵ وزارت فرهنگ تصمیم گرفت که برای دوره دکتری ادبیات زبان فارسی فکری بنماید. و بالاخره قرار شد برای رشته [?] که مدت دو سال در دو دوره دکتری تدریس شود و جواب دیده که [?]

سبک‌شناسی - جلد اول

که تاریخ تطور و تحول نظم و نثر فارسی که در دانشکده‌ها سهمی خوبی دارا به لب و باختصار
تدریس میشد مفصل‌تر آموخته شود و در دوره نیز افکار این دروس
بطرزی جزوه دادن تکثیر کرده شده است.

در ۱۳۱۷ شمسی وزارت فرهنگ صلاح دانسته که در سبک‌شناسی
کتابی خاص تدوین و تصنیف گردد تا برای این دوره نظم
و نثر تازه‌تر و ترتیبی بهتر در نوآموزی شود و کتابی بیاد ماند شود
که عموم اهل فضل بویژه دانشجویان دانشکده‌ها بکار آید و دو وجه دیگری
را نیز نگاه داشته و حقیر بی‌بضاعت برای این خدمت بزرگ نامزد
گشت و مقرر بود که نثر و نظم هر یک جداگانه مورد بحث و تحقیق
قرار گیرد و نثر بر نظم مقدم داشته آید.

حقیر که رخصت و توفیق انجام چنین خدمت بزرگی را همراه آورده
داشت از صمیم جان بدین خدمت میان بست و بشوق خاطر کار
در ظرف مدت دو سال ۳ جلد کتاب سبک‌شناسی که جداگانه دو نقاوه
سی سال تلمذ و تتبع و بررسی و مطالعه و تدریس من بود با شوق و از دل

سبک شناسی - جلد اول

وقتی در ضمن تکلم از بدین نظم و نثر برداخت و کلیه تاریخ زبانهای باستانی را
زبان‌ها بیشکش ساخت.

مقدمهٔ مصنف ج

امید است این خدمت که در آشفتگی حالات - نفسی و مشقت صبرهای
پیاپی و تبعید و زندانهای گران و آزارهای بی سبب و دوستیهای بی ثبات
روزی بیست ساله تنها به عشق خدمت به زبان کشور بدون چشم داشت
انتفاع و اجره‌ای انجام گرفت و مدت چند سال دیدگان بر مگر نهاده و
مشتی سر بی امید فایدتی مادی بدان سرگرم است از طرف دانشمندان کمال
کتب - را مینخوانند مورد دانی شود و مصنف را به عمل خیری یا دو فامنه
و از این ابتکار دانشمند «علمی تازه» که در ادبیات شرق مشرق
بدین سابقه بوده و قدمی به نظر و تحقیقات نو ظهور است. فارسی زبانان
و طلاب این زبان فصیح الارجاء که شیرین‌ترین زبانهای شرق است فایدتی
کلی حاصل کنند و اگر لغت و نوشتی که بی شبهه در آن آدم نفطه و

جلد اول سبک‌شناسی

تأثیر زبانهای بیگانه در ادوار گذشته یکی دیگر انتقاد دیگر درباره همه اصطلاحات آن

به وسیله جراید و مجلات، نویسندگان را تشنه قرائت تا آن جاها با صلح

آنچه در نوشته رفته از انزوا و حدود ناقص بکمال گراید.

تهران شهریور ۱۳۲۱ بهار.

نقد و وصف نثر.

زبانهای دنیا بر ۳ قسم است

۱- یک هجائی که ریشه کلمات بکار برده میشود

۲- زبانهای ملتصق که پیش یا آخر ریشه آنها چیزی را [illegible]
تغییر نکند

۳- زبانهای پیوندی.

"دوران تاریخی ایران از مردم ماد که یونانیان آن را مدی
و زبان دری مادی و پارسی کهنه برمیگردد و [illegible]

جلد اول سبک‌شناسی

که زبان مردم ماد یا ماه زبانی بوده است که با زبان دوره بعد از خود که
زبان هخامنشی‌ها هیچ تفاوتی نداشته، زیرا اگر هرگاه زبان مردم
ماد که بخش بزرگ ایرانیان و بهترین نشستگاه آریائی آن زمان
بوده است با زبان پارسی هخامنشی تفاوتی میداشت هرآینه کوروش
و داریوش دیگر در کتیبه‌های خود که به زبان پارسی
آشوری و عیلامی است زبان مادی را هم میافزودند
تا بخش بزرگ از مردم کشور خود را از فهم آن نوشته‌ها آگاه گردانند
لذا این مسلم است که زبان مادی خود بعینه زبان پارسی باستان یا
یا نزدیک بدان و لهجه‌ای از آن زبان بوده است

جلد اول سبک شناسی

خط زبان‌های پیشینیان خط میخی برای سکه‌ها و
سنگ‌نبشته‌ها بوده و خط آرامی برای مکاتبه و کتابت

خط و لهجه اشکانی پهلوی شمالی نام دارد

خط و لهجه ساسانی که پهلوی جنوب و جنوب غربی نام دارد

خط پهلوی تحریری تا قرن ۱۴ در ایران باقیمانده

هزوارش - سریانی

خط اوستائی یا زند در زمان ساسانیان اختراع شده است

مانی در عصر شاپور اول [illegible] خط اوستا تقلید

و خط سریانی را برای کتب خود اختیار کرد

خط اوستا دارای ۴۴ حرف با صدا و بی‌صدا است

جلد اول سبک‌شناسی

و هم امروز ساده‌ترین خطی است که در دنیا موجود است در ظرف چند ساعت یا چند درس میتوان حروف مذکور را فرا گرفت و کلیه از روی متن قدیم را بدون غلط با [illegible] لهجه و تجزیه اصلی قرائت کرد

قدیم‌ترین سندی که بدست آمده است (در بسط خط اسلامی) کتیبه معروف نقش نماره است که تاریخ آن ۳۲۸ بعد از میلاد است

صفحه ۲۴

خطی که متداول و معمول است خط نسخ است

نثر دو حد است نثر ساده نثر فنی که مشکل است

دوم به شعر نزدیک‌تر است چون دارای آرایش لفظی ملکه

جلد اول سبک شناسی

پهلوی شرقی و شمالی که آنرا فهلوی پهلوی کلدانی منقسمه را گویی

آنرا پهلوی اشکانی میگویند دارای زبان در آذربایجان و همدان

ماینه و اصفهان و کردستان و قسمتی از سواحل غربی بحر خزر و از بستان

مسند اول بوده است

دیگر پهلوی جنوبی و غربی یا ساسانی است که ادبیات

پهلوی باقیمانده آن زبان است و زبان عهد ساسانیان و پارسی بوده

۱۰۷

درخت آسوریک که شعر است از آثار پهلوی شمالی

یعنی پهلوی اشکانی است

سکه‌های هخامنشی مطلب دارد و سکه داریوش و فرزندان او

نقش مردی که زانو زده و تاجی بر سر دارد کمان در دست

دارد و چند تیر

جلد اول سبک شناسی

سکه‌های طلا عهد ساسانی را دینار یا زر مینامیدند
سکه سیم را زوزن و سکه مسین را پشیز.

یک نوبت از طرف حجاج بن یوسف را یافته که از اهل ذمه بیاری
اسلام آورده و از مالیات ذمیان سلفی کرده بود امر کرد که
نومسلمانان را بزور بشکنجه بکشش برگردانند و آنها را
نشان این کار داغ بزنند و هزاران نومسلمان را از کوفه
و بصره و مدائن و سواد بضرب تازیانه و داغ نهادن در روستاها و
شهرها برگردانند.

١٤٨

اعراب پس از شیوع اسلام بتجمل و خودستائی گرویدند و تفاخر
و مباهات بر آن کردند که ملت فاتح بوده و ملل مغلوب را زرخرید
و زیردست و از یکطرف اعراب اعراب بعلوم عربیه و صرف و نحو و لغت

шоубие ← جلد اول سبک شناسی

دولت را ترکان دادند و از طرف دیگر شعوبیه که هوادار ایران

عجم (ایرانی، رومی، نبطی و قبطی) بودند کتب و حکایات

گذشته خود را به عربی ترجمه کردند

«یکی از عوامل بزرگ احیاء زبان پارسی و بوجود آمدن شاهنامه

و امثال آن در خراسان نتیجه تأثیر شعوبیه بوده است.» ۱۴۹

ولی بالاخره شعوبیه تسلیم اعراب شده

برزویه پزشک بامر انوشیروان کلیله و دمنه را از هند

بایران آورد و آنرا به پهلوی ترجمه کرد. و ابن المقفع

آنرا به عربی ترجمه کرد

جلد اول سبک‌شناسی

"در فتنه مغول خزاین کتب محو شده و آثار آن جز چند عربی و چند فارسی بباد فنا رفت"

۱۶۹

"عنوان کتاب داروین که در ۱۸۰۸ (در انگلستان بدنیا آمد) که متضمن مبادی مذهب او بود چنین است "در انواع بوسیله انتخاب طبیعی یا بواسطه حفظ اصول کاملتر یا مناسب‌تر در ضمن تنازع بقا تشکیل میشوند"

۱۷۴

"هرچه ملل دلخواه‌تر متمدن شوند تفاوتشان بیشتر پیش میرود و دست میخورد. برای آنکه اعمال زیادتر در نتیجه تمدن توزیع شده در افکار زیادتر روشن گشته و وسعت بهم رسانده و ناچارند برای انظار مختلف خود تعبیرات مختلفه بجویند"

۱۷۶

جلد اول سنگ‌شناسی

"همه در عالم حیات اثر دو قوه با یکدیگر در زد و خورد است یکی قوه طبیعت و غریزه طبیعی که در نزاد عالم دگلیه موجودات بکمون دانقصه است و دیگر قوه تجربه اثر تجربی یعنی مجموع تجربیات که بمیراث بمردم رسیده و از آن بعقل مکتسب یا عقل یا استفاد تعبیر گشته و این عقل اثر در نتیجه تجربیات روز قره در هر کس لو از خود استعدادش زیاد شده میشود و این قوه دوم اثر غالباً ضد اثر از قوه نخستین قرار میگردد.

سوار طبیعت و قوه غریزی او بدون شعور مشغول بار است و کار او ساختن و متلاشی کردن است.

دامنه رنگ

لب با طرحش رفت چه وقط تو بر چه
از آنکه کارهای چه نشست در چه دل.

و از این ساختن و متلاشی کردن یک نتیجه حاصل میشود و آن ایجاد انواع تازه‌ای است که شوانه با محیط خود سازش کرده و با آن دانش گیرد

جلد اول سبک شناسی

تنها وسیله ای را که طبیعت برای بقای نوعی از انواع تدبیر نموده متناسب بودن آن نوع است با زمان و مکانی که وی را احاطه کرده است.

لذا هر فرد و هر کس و هر نوع و هر ملت و هر قوم بمحض آنکه از خود غفلت کند و با غرایز و تجربیات خود در صدد حفظ و نگهداری خود بر نیاید و مناسبات خود را با محیط نسنجد و خویش را آماده دفاع ننماید بحکم طبیعت متلاشی میشود و از اجزای متلاشی شدۀ او گاهی نوع دیگری بوجود میآید که بهتر از او بتواند با محیط کنار آید و یا بکلی محو میشود. صفحه ۱۷۷ و ۱۸۷

لغت ملت

"ملت" در اصل بمعنی شریعت و دین است و پیش از مشروطه ایران بهمین معنی استعمال میشد، در آغاز مشروطه که علما فتوی بلزوم مشروطه دادند و جمعی از مجتهدان در بقاع متبرکه برای خواستن مجلس عدالت بست نشسته بودند، برخی نویسندگان در مقالات کلمه دولت [illegible]

جلد اول سبک شناسی

و در بار ان بود که ملت را برای اینکه نشناسند علمای برشوت

دهای از هواداری آنان از مردم مملکت همیشه نگاه بدارند. رفته رفته

کلمه ملت در برابر کلمه دولت قرار گرفت و در روزهای گذشته

شد و در دوره مشروطه این انقلاب سیاسی این لغت معنای قدیم را از دست

داد و کلمه تازه که عبارت از «توده جماعت و سواد اعظم

مردم کشور» باشد در آمد و امروز غیر از این معنی از آن فهمیده نمیشود

۱۸۱/۲ و

مراکز تمدن قسمتی از مغول - خراسان - اصولا دری رایج بوده

خط ارمنی نیز بدست «مسروپ» عالم روحانی ارمنی

از گرفته خط اوستائی و لاتین شده

در عهد ساسانیان علمای ایران خط اوستائی را اختراع کرده

خط ایرانی قدیم خط آرامی و خط پهلوی است

جلد اول سبک شناسی

بهار میگوید بین شاهان ساسانی در نجبا اختلاف بود و از طرفی جنگهای ۹۰۰ ساله ایران و روم ایران را ضعیف کرده بود و روی این اصل اعراب توانستند سلسله ساسانی را منقرض سازند.

«این بود سر حقیقی انقراض ایران ولی در تاریخ منظومی که سالیان قدیم گفته ام این معنی را در ضمن واقعه پرویز اشاره کرده ام

مرگ پرویز

از پس پرویز گفتی خسروی معدوم شد — خون آن شاهنشه والا بر ایران شوم شد
فتنه‌ها برپا شد و هر جا کسی محکوم شد — گاه این و گاه آن سالار مرز و بوم شد
عرصه ایوان کسری آشیان بوم شد — دیگر آن کشور از امن و امان محروم شد
تا پس از خسرو برون شد یزدگرد شهریار
هم مر او را بخت بد با تازیان انداخت کار

بقیه شعر مرگ روزبه از جلد اول اسناد [illegible]

فیل عریان بسر غالب نیاید در نبرد

کاخ صدارت فاتت نزدیکان کرد با ما هرچه کرد

مشت نعش زیر دستان در دام بر روی درد

خاک باغش شد کجا خون دل پرور خورد

چهر ملک از مرگ آزادی دلوران گشت زرد

زین مصایب تیغ بیدادی چوب شد زرد دست مرد

لاجرم برگشت آخر زنگ گشت روزگار

شاه شاهان کشته شد در مرو باطل گشت کار

صفحه ۲۲۷/۱

جلد اول سبک شناسی

قدیمترین نثر فارسی ۴ کتاب است

۱ - مقدمهٔ شاهنامهٔ ابومنصوری

۲ - ترجمهٔ تفسیر طبری

۳ - ترجمهٔ تاریخ طبری

۴ - حدود العالم من المشرق الی المغرب

جلد اول سبک‌شناسی

«باید دانست که اصل و بنیاد نویسندگی برای القای فکر و مطلبی گذاشته شده
و بیان مقصود خاص است که سبک تنها جامه‌ای از آن بیش نیست
یا آنرا در بر دارد، بنابراین هرچند نویسنده باید سعی کند که مقصود
یا فکر خود را به ساده‌ترین وجهی بیان کند تا ادراک معنی آن برای
مردم دشوار نباشد.» دکتر زرین‌کوب

صفحه ۲۷

(عرب)

زنی شاعر از طایفه‌ی بنی کعب معروف به رابعه قصداری
بنت کعب معاصر سامانیان بوده است که بفارسی شعر گفته است

۲۵۹

زبان سغدی منبع و مأخذ زبان دری است

درازا - پهنا - ژرفا - طول و عرض و عمق

جلد اول سبک‌شناسی

شعر فارسی در قرن پنجم و ششم اثر کمتر عربی داشته است

نثر و نظم قرن چهارم بیش از صدی ۳ لغات عربی ندارد

مثل شاهنامه فردوسی در شعر و مقدمه شاهنامه ابومنصوری در نثر

و در داستان بهرام چوبینه بلعمی و تاریخ سیستان و مجمل التواریخ

از این قسم است

فصل دوم زبان شعر

از لغات ما قبل استقلال زبان دری بیش از صدی پنج از بین نرفته است

بهار و نوبهار که معنی بتخانه بوده نام فصلی از فصول سال شده

۲۹۷

خرابات - محل روحانی مجلس خرقه پوشی با سماع با دین زرتشت وابسته

نخیار - نخست یافته

گشفتن - وا کردن

جلد اول سبک‌شناسی

نثر فارسی در قرن ۴ و نیمهٔ اول قرن پنجم بیش از صدی پنج لغت عربی ۳
نداشت ولی در نیمهٔ دوم قرن پنجم لغات عربی از صدی پنجاه نیز
تجاوز کرد. در قرون ششم و هفتم و هشتم تا صدی هشتاد نیز گذشت.
سبک بعضی کتب که سفینه نثر ایران نام خواهم

(صورتکه ۵)

جلد اول سبک شناسی

نثر فارسی را ~~معمولاً~~ بچهار دوره باید قسمت کرد .

۱ — از آغاز تشکیل دولت های مستقل ایرانی در ابتداء و اواخر
آن روزگار فانی است که اولین کتاب نثر فارسی تألیف آن زمان
بدست ما رسیده که زمان سلطنت منصور سامانی یعنی اواخر نیمه
اول قرن چهارم هجری است در سال ۳۴۶ هجری شاهنامه
ابو منصور عبدالرزاق سپهسالار طوس بدست ابو منصور المعمری وزیر
او نوشته شده است

دوره دوم از طلوع کلیله و دمنه یعنی از اواسط قرن
ششم آغاز میشود و در وی تغییرات عمده در آن سبک
راه یافته و بدیل بشیوه نثر فنی میگردد . این دوره تا قرن هفتم و هشتم
ادامه دارد در دوره نثر موازنه پیش میرود که نثر مرسل ساده

جلد اول سبک‌شناسی

دیگری نثر مسجع و فنی در این قطعه با سبک اول است. گلستان سعدی بهترین نمونه آن است. و از آن به بعد نثر مسجع و متکلف غلبه پیدا میکند. تاریخ وصاف برجسته‌ترین نمونه نثر متکلف است

دوره سوم - دوره سجع و تا حدی عصر تکلف و تصنع و رواج فساد نثر فارسی است. البته نمونه‌های آن نثر سال‌ها هم بوده است. اما غلبه با نثر نوع اول است که از قرن هشتم تا قرن ۱۲ هجری در ایران در ترکستان و هند و عثمانی دایر و رایج بوده است

دوره چهارم زمان بازگشت ادبی است و نظم و نثر تغییر میکند و نثر دیرتر از نظم مورد اصلاح قرار میگیرد و در این دوره است که سبک‌های مختلف در نثر بوجود میآید و نوشته‌های ساده‌نگاری فارسی پیدا میشود و نوشتن نثر فارسی خالص (در شهرهای ایران) معمول میگردد

حمله اسکندر شده

ابتدای دستنوشته قرن ۱۲ هجری است و تاریخ گذشتن آن از ادوار
زمان است و در این عبارات که پیروی از گلستان سعدی گرفته تمام انشاء رواج
یافت

"امروزه که به قرن چهاردهم هجری است، دیگر از نثر مصنوع اثری باقی نیست
و سبک خاص نوشته تازه ای از نثر بوجود آمده است که هر چند هنوز
سست و خام و ابتدائی بنظر است، اما آینده خوبی را نوید میدهد"

۲۸۸

زرتشت — نثر جمل محکمی که نوشته ۲۱ مدیار کتب را در زمان ساسانیان

گزیده کتب — اوستا که بر ۱۲ هزار جلد گاو و با قلم زرین نوشته
شده بود در اثنای حمله سکندر

در بارنامه زردشتی پهلوی نثر دیگر «زرتشتیان» آمده است
که شاید محصول تحصیل و ضبط کتب علمی نیز بوده

۲۹۸

جلد اول سبک شناسی

فعل نیشابوری: بشنیدستم شنیدستی شنیدستی

رفتستم دیگر

در زبان پهلوی ماضی نقلی را با فعل معین «ستاک»
صرف میکرده‌اند گیت ستاک اوم یعنی گفته‌ام

اشعار بهار   جلد اول سبک شناسی

همچو پولاد جز بسانی نبود شوهار   گرش برگردد ز خاک و برگشته زمین

صفحه ۳۲۳

ای نازدانه یار پسر از مهر بازکش   بسیار ناز داری و بسیار نازکش

هرجا سنان راست چشم تو از ابرو کشیده تیغ   پیش سپاه مژه کجال درازکش

۳۲۲

ورانداز = طرح نقشه و اظهار قصد

جلد اول سبک شناسی

شعر از خسرو علوی

چیست این خیمه که گویی پرگهر دریاستی

یا هزاران شمع در پنگانی از میناستی

ماه نو چون زورق زرین گشتی پرشی

گر نه این گردنده گردون نیلگون دریاستی

۳۴۹

وَی - وَرا

طلایع - طلایه = پیشتار لشکر بزرگ

جلد اول سبک شناسی

در نثر قدیم همه جا اندر بوده است نه در

دو دیگر - سه دیگر - یعنی دوم و سوم

کلپتره - پراکنده گفتار

جربزه - بسیار هوشیار و دارای دیپلومات

آزادی - آشکر

مندرجات جلد اول سبک شناسی

گفتار نخستین زبان ایران – زبان ایرانی – زبان پارسی – زبان مادی

اوستا و زند – زبان زردشت – پارسی باستانی – زبان پهلوی

زبان سغدی – زبان دری – شاخه‌های مهم دیگر

قدیمترین آثار زبان ایران : کتیبه بیستون – تخت جمشید – نقش رستم – آثار تورفان [?]

کتیبه‌های همدان و سایر کتیبه‌ها

گفتار دوم خط در ایران : نویسندگی چگونه پیدا شد – اصل خطوط دنیا از کیست – ایرانیان خط را از کجا آموختند

خطوط ایران پیش از اسلام – میخی – دری [?] – خط پهلوی

حروف عبری [?] – خط اوستائی – جدول الفبای اوستائی

خطوط ایران بعد از اسلام . . . – کتیبه زند . . .

عقیده قدما درباب خط

عقیده علمای امروز درباب خط – تمدن اسلامی

گفتار سوم نثر فارسی پیش از اسلام – اوضاع ادبی – طبقات چهارگانه [?] قدیم

انواع نثر پیش از اسلام – مختصات نثر قدیم

فهرست گفتارها و فصول

مختصات نثر قدیم - نثر مانوی - نثر پهلوی اشکانی - نثر پهلوی ساسانی

قطعه‌ای که در نثر پهلوی موجود بوده است . کتیبه‌های ساسانی - کتیبه پایکولی

کشف - تورفانی - سکه‌های قدیم - سکه‌های ساسانی - ~~سکه‌های~~

گفتار چهارم - نثر فارسی بعد از اسلام -

ملاحظات پارسی - دوام نثر پهلوی - شعوبیه - ترجمه کتب و ادبیات ایرانی

کتبی که از پارسی بعربی ترجمه شد - فهرست کتب علمی فنی - تاریخ نویسی در عرب -

تاریخ نویسی زبان فارسی - صنعت تألیفات فارسی - ترقی تاریخ در عهد مغول

شیوع ادبیات پارسیان بطرق ساختگی

گفتار پنجم در لغات - نثر فارسی از لحاظ لغوی صرفی و نحوی - قاموس لغات

لهجه‌ها - زبان و تأثیر آنها - تبدیل مخارج حروف - تأثیر خط

در مخارج حروف . فراموش شدن حروف بواسطه عدم توجه

حروف املائی که تبدیل یافته - تبدیل حروف در لغت پهلوی و دری

از بین رفتن لغات و پیدا شدن لغات تازه

فهرست گفتارها و فصول جلد اول

گفتار ششم — فارسی بعد از اسلام - دوره‌های آن - جنبش سیاسی - جنبش ادبی
سامانیان و نثر فارسی - قدیمترین نثر فارسی دری

گفتار هفتم — کیفیت خاص - علل آمیزش و تطور ادبی - تأثیر لهجه‌ها بوسیله
گویندگان و نویسندگان - ترکیب جمع بستن لغات

گفتار هشتم — تأثیر زبانها در یکدیگر - نتایج اختلاط زبانها - تأثیر زبان فارسی
در زبان تازی - تأثیر زبان تازی در فارسی - مثال لغاتی که در
فارسی داخل شده است - مثال لغات اداری که بوسیله دولت رواج
گرفته - مثال لغات مترادف و صفت سازی زبان فارسی
لغات پهلوی که از یاد رفته - کشیده‌روی ادبا در ادخال لغت عرب
تحقیق در این باب بی‌حاصل - لغات دخیل در زبان فارسی

گفتار نهم — دوره‌های مختلف نثر - دوره اول دوم سوم چهارم
چند مقایسه از نثر سه‌گانه - تصرف و تهذیب - یکی شدن نثر فارسی

گفتار دهم — تفاوت نثر پهلوی و دری - اختلافات صرفی و نحوی - مختصات
دری - افعال - استعمال افعال و غیره
پسوندها و پیشوندها و اختصاصات نحوی

کتاب سبک شناسی تألیف ملک الشعرا بهار

زبان ایرانی زبان پیوندیست

۱ – زبانهای یک هجائی (یک سیلابی) مثل زبانهای زنگی [illegible]
است و ادات و حروف بجای آن منفرد و جداست مثل زبان چینی

۲ – زبان های ملتصق که اداتی بریشه اضافه میشود ولی ریشه اصلی بهیچوجه
تغییر نمیکند مثل زبانهای ژاپونی – ترکی – مردم هند – بومیان امریکائی
زبان سیاه پوستهای افریقا وحشی و [illegible]

۳ – زبانهای پیوندی – که در این زبانها بریشه و ماده لغات بجای آنکه فرود شود
یعنی ما قبل و ما بعد ریشه اضافه میشود و هم گاهی ریشه را تغییر میدهد
و هم با ریشه پیوند میگیرد مثل زبانهای عبری و عربی زبانهای هند و اروپائی
یعنی آریائیان هند – ایران – یونان – ایتالیا – ژرمن ها (آلمان
و انگلوساکسون و مردم اسکاندیناوی) روس و اسلاوهای اروپای شرقی و مردم
بلغار و سلاوهای بالکان – لیتوانی

زبان ایرانی بخش سوم از زبانهای دیگر جلوتر است و مراحل ترقی را گذرانیده است
زبان مادی یا پهلوی یا زبان بی نشستان ترقی نداشته است و در سنگ
نبشته ای ~~[illegible]~~ کورش و داریوش به سه زبان پارسی – آشوری

دهلوی نوشته شده است در زبان مادی [illegible] بسیار میشود که زبان مادی لهجه‌ای از زبان پارسی باستانی بوده و زبان کردی نیز فرعی از زبان پارسی است (صفحه ۵)

اوستا = اُوپستاک یعنی بنیاد، جا افتاده و محکم

بعضی زردشت را اهل آذربایجان میدانند و بعضی در خاور [illegible] کنونی و در آنجا [illegible] میکنند او خود مردم شرق ایران بوده است زیرا در اوستا از شهرستان‌های شرق ~~[struck-through word]~~ موجود است. زبان اوستائی زبان ایران باستان از شاخه‌های زبان شرقی بوده است

زبان زردشت در سنه ۶۳۰ ق.م یعنی دوره زردشت ۳۰ سال [illegible] نوشته شده است

پارسی باستان – پارسی قدیم همان زبانی است که در سنگهای بیستون و الوند و کتیبه جمشید نوشته شده است و خط آن خط میخی است که بر خلاف اوستائی و پهلوی از چپ براست نوشته میشد

زبان پهلوی پارسی میانه که گذرگاه زبان پارسی امروزی بوده است

که در قدیم آن زبان را پرثو مینامیدند [illegible] که پس از ترک اسکندر یونانیان را از ایران بیرون کردند

زبان پهلوی

پهلو و پهلوان یعنی شجاع. و دودمان اشکانی [illegible] از ۱۲۰ ق م
یعنی پیش آمد در کردستان پیدا شده است

زبان پهلوی از زبانهای ایرانی است که رواج داشته است و آن به زبان
دری و پارسی بعد از اسلام بیشتر شبیه است تا زبان پارسی باستانی

زبان پهلوی و خط پهلوی دو قسمت بوده است ۱- زبان و خط پهلوی
شمالی و شرقی که خاص مردم آذربایجان و خراسان و [illegible] بوده است و آن را
پهلوی شمالی گویند.

۲- پهلوی جنوبی و غربی که هم از حیث لهجه و هم از حیث خط با پهلوی
شمالی متفاوت است کتیبه های ساسانی به این لهجه است

وجه تسمیه پهلوی - پهلو [illegible] [illegible] تمام [illegible] است
دهقانان [illegible] در ۲۵۰ ق م سلوکیان را بیرون رانده
~~[illegible]~~ و مرکز حکومت آنها ری - اصفهان - همدان - شهرهای دیگر
آذربایجان بوده است و در عصر اسلام زبان پارسی … را زبان پهلوی
نامیدند که برابر پارسی گرفتند

زبان سُغدی سُغد نام ناحیه است با شهر سمرقند و بخارا

زبان دَری خاص مردم خراسان و ایران شمال شرقی بوده است
در پیش سلاطین سامانی در ایران زبان رواج داشته چون دری زبان
ساسانی نیز با پایتخت و دربار

زبان تخت جمشید در سال ۵۲۰ ق.م به دستور داریوش آغاز گردیده
و فقط با رفتن که در زمان خود داریوش به تخت نشست این بنا را
تمام کرد. کتیبه‌های آن به زبان نوشته شده است پارسی - عیلامی
آشوری

کتاب شهریار داریوش ابیات دکلمه است در گنجینه ایست که ادراک
ماست نتیجه شعر آن نوشته شده است

زبان پارسی باستانی پیرامون انقراض هخامنشیان از بین رفت
تدریج آثار پهلوی اشکانی

ایرانیان (پارسی‌ها؟) در طول صده‌ها که بودن زندگی در عرض ملل تمدن سامی

(آسوری‌ها) را کردند و داشتند با خط آشوری که خط میخی است آشنا شدند

و بعد که از قسمت دادن کشورهای ایران از دست رفته خط میخی را اختصار کردند و درکی

کردند حالی که کمتر کردن و آریایی و فرق گذارش بدان خطاط

و بعد ایرانیان خط دیگری را هم از سامی‌ها گرفتند یعنی خط **پهلوی**

سومریان مردمانی بودند که پیش از ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح در قسمت جنوب

عراق سکونت داشتند و خط داشتند که از چپ به راست می‌نوشتند

و خط میخی از آن خط گرفته شده است

به فنیقی؟ که آنان سامی نژاد بودند خط سومریان را گرفته

تکمیل کردند . در ۱۸ قرن پیش از میلاد طوایفی که به عیلام

مشهور است در خوزستان ← مولف فلیح نازی در لرستان قسمت

جنوب و غرب ایران را گرفته و شوش را پایتخت خود کرده

عیلامی‌ها و آسوری‌ها خط میخی را از سومریان گرفتند که ایرانیان

پارسی‌ها هم آن را گرفته تکامل بدهند

خط میخی بعلت دشواری آن از بین رفته است

خط پهلوی از خطوط عبری و فنیقی بوجود آمده است

خط پهلوی از خط آرامی گرفته شده است

خط پهلوی دارای ۲۵ حرف با صدا و بی صدا است

خط و زبان پهلوی دو قسمت است زبان و خط پهلوی اشکانی یا پهلوی شمالی

خط و زبان پهلوی ساسانی که پهلوی جنوبی نام دارد

خط پهلوی تا قرن ۱۴ اسلامی در ایران باقی ماند

هزوارش خطی است که کلماتی نوشته میشد و طور دیگر خوانده میشود

مثلاً ~~[illegible]~~ خوار که نان خوانده میشود

خط اوستائی در زمان ساسانیان درست شد که همه حالات

لهجه و اوستا بدان نوشته شد خط اوستا ۴۴ حرف

با صدا و بی صدا دارد و کاملترین خطی است که تا کنون در دنیا بوجود آمده

در ظرف چند ساعت و چند روز میتوان آنرا فرا گرفت و کتب

زرتشت را بی غلط خواند

خط اسلامی در قرون ۴ و ۵ میلادی پدید آمده است خط عرب از نبطی

و خط نبطی از آرامی گرفته شده است

خطوط اصلی عرب خط نسخ و خط کوفی بوده است

قلم نستعلیق در قرن دهم هجری پیدا شده است

شعر فارسی پیش از اسلام

از زمان ساسانیان سه طبقه در ایران وجود داشته که در اوستا از آنها نام برده می‌شود

۱ علماء - اطباء - آموزشیان

۲ طبقات لشکری - سواران - خانواده‌های نجیب ولایات شاه و خانواده‌ها

۳ دهقانان، صاحبان مزارع و مراتع

یک طبقه هم پایین بود که آنها کشتگران بوده

اردشیر بابکان در قریه طبروده (از روستای خیر از استان اصطخر) به دنیا آمد جدش ساسان بود که از خاندان ملوک محلی فارس بود - بابک پسر ساسان مأمور تولیت معبد شد و پسر بزرگ را به کار مردم برداشت. در آن وقت حاکم اصطخر (جوزهر) پادشاه کوچکی بود که اردشیر در تحت تربیت جوزهر صاحب اختیار شد

~~بابک اردشیر~~

بابکان، و منجمان به اردشیر گفتند که شاه جوانی است و جوان او را
دستی از نواحی حمله کرد بعد نقل به چوبانان و ابرکان نفی
و فاسین ها را مطیع کرد و بمنه های دیگر حمله کرد و فاتح شد و بابک هم
(جوزهر) را حمله کرد و تاج او را از گرفت و بعد به (اردوان) پادشاه
بزرگ اشکانی خواهش کرد که تاج [جوزهر] را بر سر خود شاپور
بگذارد اردوان اردشیر را بطغیان منسوب داشت. بعد از مرگ
بابک برادر شاپور پادشاه اصطخر شد و اردشیر برادر خود را احضار
کرد. اردشیر از اطاعت برادر سر بر تافت. شاپور لشکر نقشه برادر کشید
لیکن برادر او در آن دیگر و برا کشته شده کرده و تاج پارس را به نزد
اردشیر رفته و اردشیر تاجگذاری کرد و بر برادران بزرگان شد
دیگران را از میان برداشت و در آخر بر اردوان اشکانی
نیز فائق آمد و در سال ۲۲۴ بعد از میلاد [illegible] وارد
تیسفون شد شاهنشاهی خود را اعلام کرد

اردشیر تاج شش کنگره‌ای دارد که ~~ابوز~~ [او بر فرق] بالا بسته است

در روی سکه آتشدان بزرگ با فروغ مشتعل آتش است و در روی آن

نوشته شده «فروغ اردشیر» قبل از غلبه بر اردوان

اردشیر پس از غلبه بر اردوان تاج مکلل ظفر اشکانی بر سر دارد

در روی سکه نوشته شده خداوند اردشیر شاهنشاه ایران که

نژاد او از خدایان است

گفتار چهارم

نثر فارسی بعد از اسلام

ولی میدانیم در دوران ساسانیان زبان دری [illegible] که [illegible] ترجمه [illegible]

خط و زبان پهلوی تا زمان حکومت مغول در گوشه و کنار ایران رواج داشته است

ترجمه کتب و ادبیات ایران

گفتار ششم – پارسی بعد از اسلام

گفتار ششم

نثر پارسی به ۴ دوره تقسیم شود

دوره اول از آغاز تشکیل دولتهای مستقل ایرانی [illegible]

آن زمانی است که اولین کتاب نثر پارسی تا کنون [illegible]

[illegible] که زمان نوح بن منصور سامانی [illegible]

(تقریباً قرن دهم)

پیش از زمان نوح کتابی به زبان دری وجود نداشته است یکتا – کتابهای [illegible] ترجمه [illegible]

دوره دوم – از ظهور کلیله و دمنه نثر ابوالمعالی تا اواسط قرن ششم (قرن ۱۲ م)

[illegible] تا قرن ۷ و ۸ [illegible] ۲ نوع نثر بود نثر مرسل

و [illegible] دیگری نثر مسجع و فنی [illegible] که [illegible] با نوع [illegible]

است که [illegible] گلستان سعدی کامل [illegible]

نمونه آن است

مقامات حمیدی – تاریخ وصاف – کشف المحجوب [illegible] که [illegible]

با تکلف [illegible]

دوره سوم — دوره سجع و قافیه و تکلف و تصنع و زبان فاسد نثر فارسی

این نثر از قرن ۱۴ میلادی تا قرن ۱۹ در ایران و ترکستان و هند و عثمانی بطور دوام داشته است

دره نادره ، جهانگشای نادری ، تاریخ شاه عباس دوم

دوره چهارم . زبان بازگشت ادبی . لطافت سادگی فارسی خالص

پیدایش — بنیاد این نوع نثر از قرن ۱۹ — قائم مقام

بپیروی از گلستان سعدی این نثر سالم را پیش گرفت . و افکار خود را

با مردم متوسط و نثر خود را با زبان ساده فارسی را

و دور انداختن تکرار تصنعات و ترکیبات و سجعهای مکرر را بوجود آورد

و امروز دیگر از نثر مصنوع اثری باقی نیست

نمایندگان این نثر قائم مقام ، ابوالفضل دکنی ، نشاط اصفهانی

هدایت ، ملکم خان ، طالبوف ، آخوندوف ، میرزا آقا خان کرمانی

عبد الرحیم — فروغی — فروغی و مجد الملک

رودکی کلیله و دمنه را به نظم آورد
بعد از مغول که نقاشی کتابها و تذهیب زیاد شد و ما بعد از واقعه
اصفهان و فتنهٔ افغان نسخه نقاشی کم شد و بازار در زمان
ناصر... تقویت یافت
کتابخانه ۲ در کتب

در آثار دینی زردشتی «دژ نبشت» یعنی محل محکم
کتابها را در آن حفظ کرده گفته میشود. (اوستا بر) ۱۲ هزار
جلد کتاب و با قلم زر نوشته شده. و در کتابخانه حفظ شده است
بعد از اسلام بنی عباس و شاهان و رجال بزرگ جمع آوری
کتاب نموده‌اند
در شیراز ابتدای عضدالدوله کتابخانه بزرگی داشته است
پادشاه کتابخانه مفصلی داشت که از همه یکجا کتابخانه است
دقت کرد

تفاوت شعر ماوری و شعر دری

بین شعر ماوری و شعر دری تفاوت صرف و نحوی زیاد نیست
و هر تفاوتی که هست در شکل لغت و از لحاظ لهجه است

در زمان سامانیان کلمه دری [illegible] همه جا [illegible] از زبان [illegible]
دری که مخفف از درست یا از دره گرفته شده است

از قرن ششم هجری ۱۲ میلادی ازین زبان فارسی خود ریشه

لسانیه (ی) در آخر فعل علامت استمرار فعل است

مثل ای که در زندگانی فراز آمدی

ماه نو چون زورق زرین گشتی پرشی

گر نه این گردنده گردون نیلگون دریا کشی

در افغانستان ضمیر است که [illegible] غیر ملفوظ می‌شود و فعل را [illegible]
مید می‌کند

خنده - خنده - ریزه - ریزه - گیر گیره

حسن آمده است و نامه نوشته است که فعل است به بدل

شود حسن آمد و نامه نوشته

مصدر مرخم - یعنی مصدری که نون مصدری را از آن

انداخته و به صیغه سوم شخص ماضی درآورند = رفت و آمد

گاهی مصدر مرخم معنی صفت یا اسم را بخود میگیرد مثل نشست

در دل دست یا ساخت مثل خوش ساخت و یا ساخت

شکست مثلاً فلان شکست خورد

اسم مفعول - شکسته

برای بازگشت ادبی

جلد سوم یک شماره

«در این قرن که از اول قرن سیزدهم آغاز میشود زد و خورد دو سلیقه
ولی بی سر و صدا این دو دسته قدیم و جدید شروع کرده، هواداران قدیم
با آمدن امیرکبیر روی کار یکباره پس نشستند، زیرا پیش از امیرکبیر
سلف بزرگوارش قائم‌مقام و شاهزادگان ایران عباس میرزا مخصوصاً
فرهاد میرزا و [illegible] میرزا تربیت شده عصر جدید بودند. قائم‌مقام در نثر
و نظم متجدد شد، اما بنا و پایه اساس قدیم را حفظ میکرد و افکار نو
ظرافت کاریهای تازه را در نثرشان میداد، ولی پس از آمدن امیرکبیر
یکباره حزب قدیم با ریش و کلاه دراز و شال کمر و قبای ۳ چاک
و کفش ساغری و [illegible] و سجع در عبارات انشاء و کثرت مترادفات
عربی و فارسی و اشعار شواهد و استدلالات [illegible] [illegible] ریش
تراش و سرداری و کلاه کوتاه و زلف [illegible] و کفش ارسی و نثر ساده و
مراسلات مختصر و زبان [illegible] و کتب چاپی در روزنامه و کتابهای خط نستعلیق
[illegible] و طرح مملکت [illegible] که [illegible] [illegible] نظام مدرسه دارالفنون
و [illegible] در [illegible] [illegible] با [illegible] [illegible] [illegible]

۳۷۲

جلد سوم سبک شناسی

ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳) ساله ۸۵ در جلوسش بتخت در ۱۲۶۴
پسر محمد شاه است، شعری بسیار سست هم دارد و بازبان فرانسه اندکی آشنا و
با تمدن اروپا بسیار آشنا بود

۳۷۴

سفرنامه‌های او موجود است. دو سفر باروپا، سفر عتبات، دو سفر بخراسان
و سفری به مازندران، نثر سفرنامه‌های او دلنشین از سعدی و حافظ
دارد که سبقه ادیبانه باشد

• میرزا آقاخان کرمانی در ۱۷ صفر ۱۳۱۴ قمری بامر دولت در
تبریز با شیخ احمد روحی و میرزا حسنخان خبیر السلطنه بدست
محمدعلی میرزای ولیعهد شهید شد ؟

۳۷۴

جلد سوم سبک شناسی

انقلاب ادبی

بهار می‌گوید : با از بین رفتن امیرکبیر خرابی ایران شروع شد
و ۵۰ سال طول کشید. بعد از قتل ناصرالدین شاه خرابی واضح‌تر شد
و این دوره مظفرالدین شاه بین ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۴

« در این دوره جراید در خارج ایران با نشر ثریا و پرورش در مصر
اختر در اسلامبول. حبل المتین در کلکته [illegible] دهقان و اوطنا
از مصلحت دم می‌زدند. نوشته‌های انتقادی مثلاً در داخل ایران و خارج
از قبیل رساله مجدیه در رسالات ملکم و قانون ملکم در لندن
کتب طالبوف و مقالات آخوندزاده میرزا فتحعلی در قفقاز و
ملانصرالدین ترکی در تفلیس آغاز شد. در دوره مظفری
انتقاد را شروع‌تر و شدیدتر کرده. حمله‌های شخصی نیز در این دوره
در جراید صور حبل المتین و پرورش و ثریا آغاز شد. امین السلطان
و امین الدوله در دربار دو دسته سیاسی تشکیل داده، و در خارج هم
مقالات جراید گوشه و کنایه این دسته مخالف نسبت به هم را ابراز داشتند

! نویسنده پر درد آن روزها، علی محمد خان کاشانی حرابی تربیت شده در اسلامبول تحصیل کرده

جلد سوم سبک‌شناسی

این انقلاب بیشتر درمیان ایرانیان خارج ملک رواج داشت و چرا
ادبا را مورد حملهٔ شدید قرار میداد؟

- - - - مشروطه از این میانه ظهور کرد و انقلابی بزرگ نیز در ادبیات
از نظم و نثر برپا گردید که هنوز دنبالهٔ آن انقلاب بزرگ در کار است؟

(۴۰۱ و ۴۰۲)

پس از انقلاب مشروطه " لغات خارجی " در درجهٔ لغات و تعبیرات
خارجی از این تاریخ وارد زبان فارسی میشود؟

۴۰۳

"پس از اعلان مشروطیت در ۱۳۲۴ هجری قمری در دولت مظفری
دانشوه چرا هم مملکت انقلاب ادبی مشاهده کرده و رعایت نشده
شد ... از یاد رفت و نثر ساده و بی پیرایه دگرگون گردید؟

۴۰۴

جلد سوم سبک‌شناسی

«محال است عصری بر یک زبان بگذرد و تغییری در آن زبان روی ندهد، تنها باید رعایت یک چیز بشود و آن فقط باید و قواعد دستور زبان است که در عین آزادی رفتن باشد از آن غفلت نکرد. یعنی باید هر نویسنده حق داشته باشد به هر طریق که بهتر بداند و به هر لفظ که فصیح‌تر می‌پندارد ادای مافی‌الضمیر خود را نشان دهد و قیدی بر دست و پای او نبندند. تنها ارائه طریقی بر طبق دستور و از حیث معنی لغت از طریق فرهنگ‌ها و وسیله دیگر است که باید بعمل آید و مراقبت عمومی در حفظ و رعایت لغات و دری نثر آنها قواعد صرف و نحو حتم شمرده شود»

۴.۰۸

های سبک ~~دار~~ ادبیات شعر فارسی در قسمت انقلاب سال‌ها سالها دست‌نویسندگان ماضی در صفحات گرانبهای آثار دیگران کتاب دوره به یادگار گذارده. خوشبختانه در این ادوار ترقی ماضی که در نثر ماضیه دچار غلط فارسی پیدا شده است این نوبه را امید است.

۴.۰۸

جلد سوم سبک شناسی

«از آثار معتمدالدوله "گنجینه معتمد" است که از بزرگان جمع آوری کرده
و دوبار بچاپ رسیده است. ق ط در سنه ۱۲۴۴ وفات یافته

«ما ادبیات را از جنبه صنعت با تمام ملاحظات زمانی و
مکانی باید بنگریم و قضاوت کنیم نه آنکه ادبیات قدیم را
بحساب روزگار ما که ما در آن زندگی میکنیم تحت سنجش قرار دهیم
در عصر فئودالیسم که دولت و قدرت در دست شاه و نجبا و علمای
دین و بزرگان و وزرا بود ناچار ادبا و شعرائی که میخواستند
زندگی آبرومندانه تر داشته باشند هیچ راهی جز توسل به بزرگان
و پیروی از سنت ها در این کشور نداشته اند
همچنین در دوره تنگدستی بسبب عدم قدرشناسی مردم و نداشتن بازار
فروش صنعت، ناگزیر بایستی صنعت خود را نزد اعیان و بزرگان
عرضه بدارند چه در آن هنگام بازار بود که این صنایع خریدار داشت»

۳۲۹

جلد سوم سبک شناسی

دوران تجدد ادبی

رستاخیز شعری زودتر از رستاخیز نثر بوقوع پیوست .. از عهد کریم خان جمعی بر آن شدند که سبک هندی را بسبک عراقی بدل سازند . در دوره فتحعلی شاه قاجار هم جمعی دیگر که رئیس آنان فتحعلی خان صبا ملک الشعراء بود سبک عراقی را بسبک خراسانی بدل ساخت در روش شاهنامه فردوسی که با آن شباهت ساختن دو کتاب بزرگ « خداوندنامه » و « شهنشاه نامه » و کتب کوچکی هم گلشن صبا بنثر مسجع - تا نوبت بالقاطع قاآنی قدم را فراتر شعر ساخت بسبکی خاص با طمطراق و هیمنه بوجود آورد و قاآنی در عهد سپهر و هدایت تدریجاً سبک صبا را اصلاح کردند و بشیوه خاقانی و منوچهری و عنصری و فرخی نزدیک ساختند و در عصر ناصری محمد علی خان سروش و محمود خان ملک الشعراء و فتح الله خان شیبانی و ادیب - تاج الشعراء اصول سبک خراسانیان را زنده ساختند و در غزل بشیوه حافظ و سعدی

جلد سوم سبک شناسی

در مقدمه شرح تذکره ما را پیش گرفته و این داستان در تاریخ تطور نظم پارسی
به تفصیل گفته حواله به ۳۴۹

قائم مقام در سنه ۱۱۹۳ متولد شد او پسر میرزا عیسی معروف
به میرزا بزرگ قائم مقام است که وزارت عباس میرزا ~~[illegible]~~
نایب السلطنه ولیعهد داشت و قائم مقام ثانی بجای پدر بدان
شغل رسید. میرزا ابوالقاسم قائم مقام کمال توانائی کمک میرزا
دنا دارس در وقتی ولیعهد در خراسان مرد پسر ~~[illegible]~~ یعنی محمد میرزا
بکمک قائم مقام توانست بسلطنت رسید. قائم مقام در بعضی آن
مدت یک سال بیش صدارت باقی نماند ولی از آنکه ایران را منظم
و گردن کشان را آرام کرد تا تاریخ صفر ۱۲۵۱ قمری در باغ نگارستان
که محل ییلاقی خانواده سلطنت است خفه کردند و در خارج او را در ری
امانت گذاردند دو سال در طاق مقبره ساخته و جنازه اش را به آستانه
در حضرت عبدالعظیم به گور سپردند. خواهر عباس میرزا نایب السلطنه زن
قائم مقام بود

جلد سوم سبک‌شناسی

رستاخیز یا بازگشت ادبی

در سنهٔ ۱۳۱۰ نویسنده درین باب فصلی مشبع در انجمن ادبی سخنرانی کرد که ۳ ماه طول کشید و ما حصل آن را در نشریه (بازگشت ادبی) جزو ارمغان سال ۱۳۱۰ انتشار یافت دیگران در تاریخ ادبی خلاصهٔ آن را بدون ذکر نام حقیر در کتب خود شکسته بسته درج کرده‌اند.

۳۱۸

میرزا عبدالوهاب خان نشاط

دارای اشعار بسیار پخته و زیبا " و اگر جز این یک غزل که مطلع آن است

طاعت از دست نیاید گنهی باید کرد + در دل دوست بهر حیله رهی باید کرد

دیگر هیچ نداشت برای بزرگی و علو مقام شعری او کافی بود و حال

آنکه قصاید و ترجیعات فصیح و لطیف بسیار دارد

۳۲۲

۵/۱۲/۵۴

۱۱/۹/۵۰

2 Dec.

۱۷۹